

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

«امروز مژده ای که دل و جان عبدالبهاء را شادمان نماید، خبر دوستی و یگانگی احباب است که در نهایت محبت و الفت دست در آغوش یکدیگرند.»
پیام بهائی شماره ۲۸۳ ص ۳

عنوان: «اتحاد و اتفاق»

قسمت روحانی

۱. مناجات (از مناجاتهای مربوط به موضوع برنامه استفاده شود)
۲. ذکر دسته جمعی
۳. نصوص مبارک حضرت بهاءالله
۴. نصوص مبارک حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

۵. منتخباتی از توقیعات حضرت ولی عزیز امرالله
۶. جامعه ای متحد ولی متنوع
۷. سبب هجرت حضرت بهاءالله به کوه های سلیمانیه
۸. سرور و سلامت هیکل مبارک حضرت عبدالبهاء
۹. شور و مشورت و پیشنهاد (مندرج در راهنمای ناظمین)

قسمت اجتماعی

۱۰. برنامه نوگلان بوستان الهی (به انتخاب نونهالان)
۱۱. تنفس و پذیرائی
۱۲. مناجات خاتمه (به انتخاب جمع)

همکاران عزیز

با تقدیم اشواق قلبیه خدمت آن عزیزان برنامه ای که تقدیم حضورتان می گردد با عنوان « اتحاد و اتفاق » با نگرش به بیان حضرت عبدالبهاء که فرمودند : نفوسی که حضور جمال مبارک مشرف بودند بارها به گوش شنیدند که فرمودند : اگر بینم امر من باعث اختلاف بین دو نفس می گردد ، من از امرالله می گذرم » و نیز این حقیقت که اتحاد و اتفاق ضامن پیشرفتهای روحانی جامعه است ، تهیه گردیده است .

مزید توفیقتان را از درگاه حق سائلیم .

۳. نصوص مبارک حضرت بهاء الله

« فَوَعِزَّتِكَ يَا مَحْبُوبِي لَوْ تَعَدُّتُنِي فِي كُلِّ حِينٍ بِبِلَاءٍ جَدِيدٍ ، لَأَحَبُّ عِنْدِي بَانَ يَحْدُثُ بَيْنَ أَحِبَائِكَ مَا يُكَدِّرُ بِهِ قُلُوبَهُمْ وَ يَتَفَرَّقُ بِهِ اجْتِمَاعُهُمْ لِأَنَّكَ مَا بَعَثْتَنِي إِلَّا لِاتِّحَادِهِمْ عَلَيَّ أَمْرِكَ الَّذِي لَا يَقُومُ مَعَهُ خَلْقُ سَمَائِكَ وَ أَرْضِكَ وَ إِعْرَاضِهِمْ عَمَّا سِوَاكَ وَ إِقْبَالِهِمْ إِلَيَّ أُنْفِقُ عِزَّ كِبْرِيائِكَ وَ تَوَجُّهَهُمْ إِلَيَّ شَطْرَ رِضَائِكَ . » ۱

« امیدواریم که در کمال الفت و محبت و دوستی با یکدیگر رفتار نمائید ؛ به شأنی که از اتحاد شما عَلم توحید مرتفع شود و رایت شرک منهدم گردد . » ۲

۱ - گلزار تعالیم بهائی ص ۱۳ ۲ - گلزار تعالیم بهائی ص ۱۶

۸. سرور و سلامت هیکل مبارک حضرت عبدالبهاء

هر وقت تأثیری به وجود مبارک عارض می شد یا خبر اختلافی از احباء می رسید و کدورت و نفاقی در بین یاران دیده می شد یا آن که عریضه شکوائی از بعضی از نقاط عالم می رسید که حکایت از اختلاف معاملات و شقاق بود یا آن که ناقضین و منافقین موجب تخریب امرالله می شدند و نفوسی را متزلزل می کردند ، فی الفور درجه حرارت بالا می رفت و چند عُشری تب می آمد و به مجرد این که یک خبر خوشی می رسید که یک قدمی امرالله پیشرفت کرده یا آن که یکی از احباء خدمات نوع پرورانه ای کرده یا در جائی تأسیسات عام المنفعه ای شده است ، آنأ علائم سرور و بهجت در وجود مبارک ظاهر می شد و تب قطع می گردید . روی این اصل حضرت ورقه علیا و جناب حاجی میرزا حیدر علی غالباً سعی می کردند اخبار خوشی به عرض برسانند که سبب سرور و سلامتی هیکل مبارک بشود . یادداشت‌هایی درباره حضرت عبدالبهاء ج ۲ ص ۶۴۲

۴. نصوص مبارک حضرت عبدالبهاء

حضرت عبدالبهاء می فرماید:

« بندگان صادق حضرت کبریا هزاران ، حکم یک جان دارند و یک روان و یک وجدان ؛ گل‌های یک ریاضند و امواج یک حیاض ؛ نجوم یک افقند و چراغهای یک وثاق . پس ای یاران الهی دست در آغوش یکدیگر نمائید و یک حلقه و یک هیكل شوید تا یک قوت ، هزار قوت گردد و هزار قوت ، متحد شده ، یک قوت عظیمه شود ؛ آن وقت ملاحظه می نمائید که این فوج جنود حیات و جوق لشکر نجات چنان صف جنگ روحانی بیارایند که صفوف و الوف و شعوب و قبائل عالم یک یک در هم شکند و إِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ظاهر شود . » ۱

و نیز :

« امروز اهمّ امور اتحاد و اتفاق احبّای الهی است که با یکدیگر یک دل و یک جان شوند . تا توانند مقاومت خصومت اهل عالم کنند و تعصبات جاهلیّه ملل و مذاهب را ازاله نمایند . هر فردی از افراد بشر را تفهیم نمایند که کل بار یک دارید و برگ یک شاخسار ؛ ولی تا نفس احبّای اتحاد و اتفاق کلی نیابند ، چگونه توانند که احزاب سائره را به اتحاد و اتفاق بخوانند ؛

"جان نا یافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش . " ۲

همچنین می فرماید:

« ای احبّای الهی اگر سرور و حبور و آسایش جان و راحت وجدان عبدالبهاء را خواهید بر اتحاد و اتفاق بیفزائید و جمیع امواج یک بحر گردید و قطرات یک نهر ؛ گل‌های یک گلشن گردید و حلقه های یک جوشن ؛ در یک هوا پرواز نمائید و به یک نغمه و آواز ترنم ساز . این سبب سرور ابدیست و راحت قلب و جان سرمدی . » ۳

۱ - پیام بهائی شماره ۲۸۳ ص ۳ - ۲ - گلزار تعالیم بهائی ص ۱۶ و ۱۷ - ۳ - گلزار تعالیم بهائی ص ۱۸

۵. منتخباتی از توقیعات حضرت ولی عزیز امرالله

حضرت ولی عزیز امرالله می فرمایند:

« تا اتحاد و اتفاق کامل در بین احباء جلوه ننماید و محکم و ثابت نگردد ، امر عزیز الهی در حالت توقف باقی و از فتح و ظفر ممنوع و محروم . » ۱

و نیز:

« اگر صیانت و تقدّم سریع امرالله را خواهانیم باید به هر نحوی ممکن ادنی شائبه اختلاف و برودت و اغبرار را از میان خود محو سازیم و با قلبی صاف و پاک و طیب و طاهر در کمال روح و ریحان و یگانگی ، نفحات تقدیس و تنزیه و خلوص و محبت الهیه را به مشام آلوده اهل عالم رسانیم . ادنی گفتگوئی در جمع احباب سلب تأیید نماید و روح مجرد منعی امرالله را از هیکل آن جمع مریض چون برق اخراج نماید . مجهودات و مساعی مبذوله را بتمامها به باد دهد و اسباب تقهقر و انحطاط و تجزی و اضمحلال آنآ فآناً از دیاد یابد و از جمیع جهات احاطه نماید . » ۲

و همچنین:

«اگر یاران به تمام قوا اختلافات شخصی خود را فراموش کنند و قلب خود را به خاطر حضرت بهاءالله به سوی محبت عمیقی که به یکدیگر دارند مفتوح سازند ، ملاحظه خواهند کرد که بر قدرت آنها به نحو وسیعی افزوده شده است و آنها قادر خواهند بود که قلوب عامه مردم را تسخیر نمایند . » ۳

۱- گلزار تعالیم بهائی ص ۱۹

۳- گلزار تعالیم بهائی ص ۳۳۵

۲- گلزار تعالیم بهائی ص ۳۳۳ و ۳۳۴

بیت العدل اعظم می فرمایند:

اخیراً چنین استنباط می شود که عدّه ای مترصدند تا از وجود کوچکترین علائم کدورت بین احبّاء آگاهی یافته ، به آن دامن زنند و به تصوّر خود در جامعه ، اختلاف و انشقاق ایجاد نمایند و از این طریق به تضعیف روحیه پردازند . شما عزیزان البتّه واقفید که حفظ و استحکام وحدت جامعه از اعظم امور است . اسلاف روحانی شما در طیّ یک قرن و نیم گذشته در رویارویی با حملات مداوم دشمنان ، چه کسانی که علناً به مخالفت با امر الهی قیام نمودند و چه نفوسی که چون گرگ در لباس میش مقاصد مزورانه خود را برای ایجاد تشّت و اختلاف در بین احبّاء الله دنبال کردند ، مقاومت نموده به قوّت میثاق بر قوای ظلم و تاریکی فائق شدند . شما نیز به خوبی می دانید که به فرموده مبارک « اختلاف هادم بنیان است و سبب تأخیر در انتشار » و بیان حضرت مولی الوری را هادی اعمال و رفتار خود قرار داده اید که می فرمایند : « الیوم یوم اتّحاد است و وقت اتّفاق . به اتّحاد و اتّفاق کمر اهل نفاق شکسته گردد »

اگر مردم دنیا هنوز برای رسیدن به مراحل اوّلیّه هم زیستی در تلاشند ، شما در مکتب حضرت عبدالبهاء اتّحاد و یگانگی بین اقوام را می آموزید و به قوای سازنده آن ایمان دارید . پس بیش از پیش درباره آن چه لازمه تحکیم روابط الفت و محبّت بین احبّاء در شرایط سخت کنونی است تفکر و تأمل فرمایید و طلب تأییدات الهی نمائید . با تمسّک به آیات ربّانی و توجّه به هدایات مرجع امر ، به وحدت نظر در مورد خدمت امرالله و کمک به استقرار پایه های تمدّنی روحانی موفق شده اید . قدر این دست آورد ارزشمند را بدانید و ارج و بهای آن را کم نشمرید . به این نکته مهم و عملی نیز آگاهید که افراد احبّاء در استعداد و کارآیی ، در طرز عمل ، در فهم و رعایت حکمت و انضباط روحانی و در میزان تعهّد و آمادگی برای گذشت و فداکاری و هم چنین در سلیقه و اولویّت های زندگی متفاوتند . پس به عنوان اعضای جامعه ای متحد ولی متنوع ، همچون رشته های حبل میثاق ، کل مرتبط و متصل بمانید . در جمیع شئون مشوّق و پشتیبان یکدیگر باشید تا به برکت آن هر روز باب جدیدی از خدمت به روی شما

گشوده شود و با کمک دوستان و همسایگان و آشنایان خود ، ظلمت جور و جفا را به نور حبّ و وفا زائل نمایید . به شایعات توجه نکنید و از قوه اتّحاد و نفوذ و تأثیر « کلمه طیّبه و اعمال طاهره مقدّسه » یاری جوئید تا بتوانید بیش از پیش اسباب الفت و محبّت و یگانگی در جامعه و در بین هم وطنان عزیز خود گردید . هر قدمی که هر یک از احبّای الهی با خلوص نیت در راه حقّ بردارد ، مطمئناً به طراز قبول در آستان مبارک مزین و با عنایات مخصوصه اش به فیوضات آسمانی مؤید خواهد شد . اوست که « قطره را حکم دریا دهد و ذره را آفتاب کند . »

پیام ۳۱ اکتبر ۲۰۰

۷. سبب هجرت حضرت بهاءالله به کوه های سلیمانیه

میرزا یحیی با مشاهده قدرت و عظمت و نفوذی که حضرت بهاءالله در بین ساکنان بغداد از عالی و دانی پیدا کرده بودند و با ملاحظه شخصیت و احترام روز افزونی که برای آن حضرت در میان آشنا و بیگانه ایجاد شده بود، دچار غبطه و حسد گردیده و برای از دست دادن مقام خود سخت نگران شده بود؛ چه که بسیاری از پیروان برجسته حضرت باب با پی بردن به سطحی بودن معلومات میرزا یحیی و با مشاهده جُبْن و حيله وی، دچار دلسردی و عدم رضایت گشته بودند. بدین ترتیب میرزا یحیی به یاری سید محمد اصفهانی کتیم و بدنام، شروع به افشاندن بذر شک و تردید در میان نفوسی که مجذوب حضرت بهاءالله شده بودند نمود و در پی آن بود که به وسایل مختلفه به اعتبار آن حضرت لطمه زند و مساعی هیکل مبارک را در احیای جامعه بایان که در حال انحطاط بود، خلاف حقیقت جلوه دهد... حضرت بهاءالله که در اثر این دسیسه های سوء و زیان بخش با مصائب و امتحانات بی حد و حصر محاط بودند. بالاخره یک روز حتی بدون اطلاع عائله مبارکه، بغداد را ترک و به جبال بعیده کردستان پناه بردند و مدت تقریباً دو سال در آن صفحات، گوشه انزوا گزیدند. حضرت بهاءالله در کتاب ایقان در این باره چنین می فرمایند:

«مقصود جز این نبود که محلّ اختلاف احباب نشوم و مصدر انقلاب اصحاب نگردم و سبب ضرّ احدی نشوم و علّت حزن قلبی نگردم»

آیات الهی که از لسان حضرت بهاءالله در سال اول اقامت در عراق و قبل از مهاجرت حضرتشان نازل شده، اکثراً بر صفحات اوراق ثبت نشده است؛ ولی آن چه که از این بیانات به صورت الواح مثبت و برای نسل های بعد به یادگار مانده است، حاکی از حزن و اندوه فوق العاده ایست که هیکل مبارک از بیوفائی میرزا یحیی و بعضی از اَعوانِ فرومایه وی احساس می فرموده اند.

نصفحات ظهور صص ۶۴ و ۶۵